

نویسنده : مجیب مشعل (Mujib Mashal) .
منبع و تاریخ نشر : انٹی وار «26-05-2020»
برگردان : پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

-----[57]-----

چطور طالبان با سرسختی و متحمل شدن خسارات ویران کننده بر یک ابر قدرت پیروز شدند

How the Taliban Outlasted a Superpower: Tenacity and Carnage

طالبان در استانه تحقق خواست به شدت احساساتی و صمیمانه ای خود ایستاده اند؛
سربازان امریکایی که افغانستان را ترک میکنند؛ آنها اندکی از ایدیولوژی افراطی
خود را برای انجام این کار کنار گذاشته اند.

*The Taliban stand on the brink of realizing their most fervent
desire: U.S. troops leaving Afghanistan. They have given up
little of their extremist ideology to do it.*



ننگرهار افغانستان: در زیر سایه یک درخت توت در نزدیکی اماکن قبرستانی

با افراشته بودن پرچم طالبان؛ یک رهبر شورشی نظامی طالبان در شرق افغانستان تصدیق کرد که این گروه طی یک دهه گذشته متحمل خسارات ویران کننده ای ناشی از حملات امریکایی ها و عملیات های دولت شده اند.

اما این خسارات کمی تغییر کرده است؛ طالبان همچنان جان خود را به جای کشته ها و زخمی های خود برای ادامه نبرد میگذارند و خشونت مشابه را تحمل میکنند؛ مولوی محمد قیس؛ ریس کمیسیون نظامی طالبان در ولایت لغمان گفت: ما این مبارزه را به مفهوم عبادت مینگریم و یا می بینیم؛ زیرا که به ده ها تن از مبارزان ما در نزدیکی یک تپه در حال انتظار اند از اینکه اگر یک برادر کشته شود؛ برادر دوم خواست خداوند را به زمین نمیگذارد و یا آن خواست را مایوس و نا امید نمیکند بلکه این برادر به قدم های آن برادر شهید قدم میگذارد.

ماه مارچ بود؛ و طالبان به تازه گی توافق صلح را با ایالات متحده امضا کرده بودند که اکنون این جنبش را در آستانه ای مبرمترین تحقق خواسته اش یعنی خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان قراردادده است.

طالبان در طول (19) سال جنگ سنگین و طاقت فرسا؛ ابر قدرت را پشت سر گذاشتند،

و در ده ها مصاحبه ای که با مقامات طالبان و مبارزان آنها در سه کشور و همچنین با مقامات افغانی و مقامات غربی صورت گرفته از برخورد ها قدیمی وجدید و نسل های که در انجام این کار به آنها کمک کرده اند قصه ها و نشانه های باقی مانده است یا که همچو برخورد ها را در اعلامیه ها نشان میدهد.

طالبان پس از سال (2001) دوباره بعنوان یک شبکه غیر متمرکز از مبارزان و فرماندهان در سطح پابین تجمع ، مجدداً استخدام و با یافتن یا دسترسی به منابع محلی خود را سازمان دادند در حالیکه رهبران ارشد شان در همسایگی افغانستان یعنی پاکستان در پناهندگی باقی ماندند .

این شورشیان به اسقرار سیستم حملات تروریستی برنامه های خود را را پلان و روی دست گرفتند تا بدین وسیله دولت افغانستان را تضعیف و با همچو تهدیدات در تحت فشار قرار دهند و همچنان بشکل غیر قانونی به گسترش ویا به تحرک در آوردن چرخه تامین وجوه مالی خود به داد و ستد مواد مخدره پرداختند با وجودیکه از ریشه با ایدئولوژی اسلامی در تضاد میباشد یعنی که از نظر اسلام در واقعیت امر تجارت مواد مخدره جنایت شمرده میشود .



بهر صورت طالبان در همین زمان رسماً قدری ویا اندکی در ایدئولوژی افراطی و یا بنیادین خود تغییری بوجود آوردند ؛ یعنی که اندکی ایدئولوژی خود را تغییر دادند ؛ چونکه آنها برای شروع مذاکرات مستقیم در مورد تقسیم قدرت با دولت افغانستان میخواهند آماده شوند .

اما آنها هرگز صراحتاً از گذشته خود مبنی بر پناه دادن تروریست های بین المللی و نه هم از اعمال سرکوبگرانه خود نسبت به زنان و اقلیت های قومی در افغانستان که در دهه (1990) یعنی در مدت زمان زمامداری خود مرتکب آن شده بودند تعریفی بعمل نیاوردند

ویا که از آن عملکر های خود چشم پوشی نکردند . این شورشیان با اکثریت قریب به اتفاق به آن تغییراتی که به حمایت غرب در طول دوده در افغانستان صورت گرفته است عمیقاً به آن مخالف هستند - آن قسمیکه میگویند :

« ما ترجیح میدهم توافقنامه بطور کامل عملی شود تا بتوانیم صلح همه جانبه ای داشته باشیم ؛ ریس ستاد یا ریس ارکان رهبر معظم طالبان « امیرخان متقی » در یکی از مصاحبه های نا در خود در دوحه پایتخت قطر که با نیویارک تایمز انجام داد گفت : اما ؛ ما همچنین نمیتوانیم در اینجا آرام بنشینیم وقتی زندان ها از مردم ما پر و سرزیر شده باشد و یا وقتی که سیستم حکومتی همان سیستم غربی باشد پس در آن صورت طالبان باید بروند فقط در خانه بنشینند . »



وی گفت : هیچ منطقی این را قبول نمیکند که همه چیز بعد از این همه فداکاری ها باز هم یکسان باقی بماند ؛ او گفت : که دولت فعلی بر پول های خارجی ؛ سلاح ها و مهمات خارجی و تا مین اعتبارات مالی خارجی متکی است یا تکیه زده است .

بهر صورت کنون یک تاریخچه بدنام و ناخوشایند دارد که از بین میرود ؛ آخرین باری که یک قدرت اشغالگر ؛ افغانستان را ترک کرد ؛ یعنی هنگامیکه شورشیان مجاهدین افغان تحت حمایت ایالات متحده امریکا کمک های چندی دریافت کردند تا اینکه شوروی ها را در سال (1989) به عقب نشینی سوق دادند چریک ها دولت باقیمانده را سرنگون کردند و بعد از آنکه طالبان در صدر ظاهر شدند دولت تحت زعمات مجاهدین را سرنگون کردند چونکه مجاهدین بخاطر ماندن در قدرت بین خود به جنگ وجدال مصروف بودند . اکنون نیروهای

امریکایی و طالبان از حمله به یکدیگر به تاسی از توافقنامه منعقد شده شان خود دار میکنند یا که حملات خود را متوقف ساخته اند - قابل تذکر است که طالبان قبل از آتش بس نادر سه روزه در این هفته به نسبت تعطیلات عید فطر؛ حملات خود را علیه نیروهای جنگی افغانستان هرچه بیشتر شدت بخشیده اند؛ چنین به نظر میرسد که تاکتیک های آنها به نسبت ایجاد رعب و وحشت است.

از سوی دیگر بسیاری از افغان ها می ترسند که شورشیان ممکن نسبت به داشتن موقف کنونی خود میخواهند بخاطر کسب سهم زیاد در دولت بر مذاکره کنندگان فشار زیاد وارد کنند تا که بتوانند به تضعیف موسسات کنونی آنها بپردازند و یا که در غیر آن آنها همچنان با بمب های حمل بر لاری ها و گرفتن کمین ها به کشت و کشتار شان ادامه دهند.



یکی از فرماندهان ارشد طالبان در جنوب افغانستان گفت: «فرماندهان محلی یا ساحوی طالبان صریحاً روشن ساختند و گفتند که آنها بروی سر بازاران امریکایی فیر میکنند که مصوناً از مسیری که میخواهند عبور کنند؛ پس آنها گرد و غبار را از نشیمنگاه (پشت سر) خود زوده و عزیمت میکنند و اما در مورد اینکه در حمله به نیروهای امنیتی افغان چه باید کنند در این مورد روشنی نه انداختند.

یک فرمانده جوان طالب با شرط افشا نشدن نام اش از یونت یا از «واحد سرخ» طالبان در علینگار ولایت لغمان بایک تیم گذارشگر تایمز ملاقات کرده گفت: ما مبارزه خود را علیه فساد قبل از آمدن امریکایی ها در اینجا آغاز کرده بودیم من در هنگام حمله امریکا بالای افغانستان کودک نو پا بودم، این مفسدین از امریکایی ها خواستند که به افغانستان بیایند چونکه آنها توان جنگیدن را نداشتند بهر صورت این فرمانده جوان گفت: تا زمان ایجاد یک

سیستم اسلامی؛ جهاد ما تا روز رستاخیز ادامه خواهد یافت.

استخدام و کنترل:

بر اساس برآورد های منابع افغانی و امریکایی؛ تا همین اکنون تعداد طالبان در حدود بین (50000) مبارز فعال و ده ها هزار نفر از افراد مسلح احتیاط (پاره تایم = part time) و تسهل کننده ها میباشند.

این تحریک یا جنبش یک سازمان واحد و یا یک پارچه نیست؛ بلکه رهبری این گروه شورشی از قطعات نامتناسب و دور افتاده و پراکنده یک ماشین جنگی ساخت و هر واحد یا سلول جنگی را تحت فشار قرار داد تا آنها سعی کنند که خود را از نظر داشته ها و یا منابع محلی خود کفا سازند - لذا طالبان در محلات و یا در مناطقی که حضور دارند و یا که مناطق را در تحت کنترل خود دارند فعالیت های شان بر اهالی مناطق تحت تصرف نیز تاثیر چندی میگذارد و آنها تا حدی هم برخی خدمات را در محلات شان انجام میدهند و اختلافات بین مردم را بعنوان یک دولت سایه حل و فصل میکنند.

این جنبش طالبان در واقعیت امریک شورش شبکه ای و بسیار غیر متمرکز است. و این خود به توانایی مربوط به کار و فعالیت و ابتکار فرماندهان تا به سطح در اولسوالی ها تعلق میگیرد که بتوانند منابع در دست داشته را انجام بهتر دهند و آن منابع را بطور لجستیکی بخدمت گیرند. تیمور شاران (Timor Sharan) محقق افغان و یکی از مقامات ارشد سابق دولت گفت: طالبان روی هم رفته از یک منبع واحد؛ از یک رهبری واحد توانستند که بخود مشروعیت بدهند.

با گذشت زمان طی سالهای چندی رهبری عالی این گروه اکثراً در پاکستان باقی ماندند و یا در آنجا زیستند؛ و در ساختار مجدد این گروه شورشی سازمان اطلاعاتی ارتش پاکستان (آی اس آی) از هیچگونه حمایت و یا پشتیبانی به این گروه دریغ نکرد یعنی که این گروه شورشی را بخاطر کمراست کردن دوباره آنها تحت حمایت خود قرار داده است یعنی که این سازمان اطلاعاتی و جاسوسی ارتش پاکستان با وجود تلفات سنگینی که این گروه در هنگام جنگ رویا روی با نیروهای امنیتی افغان و امریکایی متحمل شدند در تهیه و تدارک پناهگاه های امن برای آنها غافل نمانده بلکه پیوسته برای آنها پناه گاهای مصون تهیه کرده است.

قابل یاد دهنی است که در بعضی مواقع میزان تلفات این گروه شورشی به حد قابل ملاحظه صعود کرده است یعنی که آنها در طول هفته به صدها مبارز خود را به نسبت عملیات های سنگین هوایی نیروهای امریکا از دست داده اند چنانچه که تلفات این گروه به نسبت پرتاب بیش از (27000) بمب طی سال (2013) قابل ملاحظه بود. تا آنکه

طالبان سیستمی از نیروهای ذخیره «احتیاط» را برای ادامه اعمال فشار ایجاد کردند و خسارات هنگفتی ناشی از این بمباری را متحمل شدند، سالی که گذشت برای طالبان بیشتر سال ویرانگر بود چونکه مقامات افغان ادعا کردند که قوت های آنها طالبان را از نظر تعداد بیشتر کشتند که حتی این کشتار در طول این جنگ نامعلوم سابقه نداشت یعنی در طول یک ماه بیش از (1000) کشته، و یا که شاید در حدود یک چهارم از نیروهای تخمین زده شده آنها تا پایان سال. افزون بر حملات هوایی قوت های افغان بالای طالبان نیروهای ایالات متحده نیز در حدود بیش از (7400) بمب بالای محلات بودوباش طالبان پرتاب کرده که ممکن موجب مرگ و میر بیشتر طالبان شده باشد یعنی بیشتر تعداد بمب گذاری های آنها در طول یک دهه.

امریکایی ها حتی در اوج حضور طولانی خود در افغانستان تلاش کردند که در هم آهنگی با دولت و کمک به دولت در حومه شهرها قلب ها و اذهان مردم را بدست آورند؛ اما طالبان باز هم توانستند که به اندازه کافی جوانان را استخدام و صفوف خود را برای ادامه جنگ تقویه نمایند و واکنش مردم به درخواست و یا تقاضای طالبان در امر استخدام جوانان تازه کار خوب و مثبت بود و از کسب درآمد و عاید همگی باهم برخوردار بودند. یعنی که به آنها کمک مالی نیز صورت میگرفت.

مولوی قیس: توضیح داد که کمیسیون نظامی وی در علینگار ولایت لغمان که دارای یک کمیته فعال است؛ در مساجد و در کورس های آموزشی و قرئت قرآن بخاطر جلب و جذب جوانان و استخدام آنها بخاطر دوام جنگ چگونه پیوسته کار و فعالیت میکند تا جایکه اعضای جدید را آماده به استخدام نمایند؛ اما او همچنان خاطر نشان کرد که این افراد جدید استخدام شده بیشتر از متعلقین و خانواده های مبارزان فعلی اند یعنی که مبارزان فعلی در جذب و جلب افراد جدید سهم قابل ملاحظه ای دارند.

بخصوص که در دهه گذشته نیاز بیشتر به خونریزی و فداکاری افراد جدید وجود داشت وی به اشاره به یک واحد (100) الی (500) مبارز گفت: ما فقط در حل و فصل فوری هستیم - «ما» 80 «مرد را از دست دادیم».

او گفت: هنوز هم مبارزان ثبت نام میکنند تا حدودی به دلیل دلهره شدید در نهاد های غربی و ارزش های که دولت افغانستان از متحدین خود گرفته است.

مولوی قیس گفت: مشکل ما با گوشت و استخوان آنها ارتباط ندارد بلکه این با «سیستم است».

مقامات رسمی افغان میگویند؛ فرماندهان طالبانی که در برخی از محلات افغانستان که کنترل ثابت و پایدار ندارند از استخدام نمودن جوانان محلی در آن محلات عاجز اند ولی

آنها بیشتر جوانان را از تقریباً دومیلیون افغان آواره که در پاکستان مهاجر اند و جوانان بیشتری در حوزه های علمیه پاکستان مصرف فراگیری علوم اند آنها را بخاطر دوام جنگ در خط مقدم جبهه جذب و استخدام می کنند .

استخدام کننده گان ویا فرماندهان طالبان میگویند که آنها حقوق عادی برای جنگجویان خود نمی پردازند بلکه آنها در عوض تمام مصارفات جنگجویان خود را تا مین میکنند ، آنچه که در سال های اخیر به آنها چنین کمک ها صورت گرفته است و این بود که فرماندهان خود را در نحوه استفاده از منابع محلی با دست باز دانسته و غنمیت های جنگی بدست آورده را به مبارزان خود داده اند که البته برخی از این درآمدها مانند وضع مالیات بر کالاها متمرکز شده است ؛ اما بطور فزاینده این جنبش عمقاً با نگرانی های جرایم محلی و مواد مخدر درهم تنیده شده و آنها را بمنظور ادامه جنگ به اصطلاح مقدس وا داشته است که به تلاش های خود بخاطر بدست آوردن وجوه مالی بیفزایند .

ملا باقی زراوار (Mullah Baaqi Zarawar) یگانه فرمانده در ولایت هلمند گفت : دوستانی که با ما یکجا در خط مقدم جهاد هستند ؛ حقوق دقیقی نمیگیرند بلکه ما از پول جیب شان برای خرید گاز برای موتور سیکلیت و مصرف سفر شان برنامه سازی میکنیم یعنی این موارد را تنظیم میکنیم و اگر آنها غنایمی را بدست آورند آن غنایم درآمد خودشان است ، در مناطقی که آنها به راحتی محل را در تحت کنترل خود دارند بسیاری از مبارزان طالبان و حتی رهبران شغلها و کسب و کارهای دیگری نیز دارند .

مولوی قیس در جریان مصاحبه ای خود به نسبت گرد و غبار لباس های اش که داشت معذرت خواست وی گفت که من تمام صبح آرد را آرد کرده ام که البته این کار روزانه ای من است در اینجا باید افزود طالبانی که در جنگ سهم نمیگیرند وظیفه دومی دارند .

شورشیان برای دادن اطمینان خاطر از اینکه روند استخدام افراد جریان دارد و نه خشکیده است یک عملیات پیچیده و پیشرفته را در اولویت اقدامات خود قرار دادند ؛ یعنی که روایت ویا داستان طالبان را از طریق تولید ویا بکار انداختن فلمها ویا ویدوهای نرم و صاف با یک شکل ویا تیپ تنها جمعی در رسانه های اجتماعی شکل دادند .

موارد یا قضایایی از حملات تهاجمی امریکایی ها و نیرو های افغانی را که باعث تلفات غیر نظامی ها چه بشکل واقعی ویا چه به شکل ساختگی شده بود آنرا در رسانه های اجتماعی در ارتباط با فلم های آموزش طالبان از جنگجویان شان که از طریق ویا از بین حلقه های آتش با نیروی شلیک کردن سلاح های دردست داشته شان می پرند ویا خیز می زنند آن ویدوها را پخش وبه نشر رساندند که پیام شان در آن یکسان بود و آن اینکه برای پیوستن با ما این است که زندگی قهرمانانه وایثارگری را باید انجام دهیم .

آنها یعنی طالبان نماد های قدرتمندی برای ترسیم داشتند از جمله این نماد ها یکی هم ولی یا پیشوای فقیه مولوی هیبت الله اخوند زاده که پسرش را بعنوان عامل انتحاری بمنظور نیل به هدف به ایثار گری اعزام کرد تا در مقابل حکومتی بجنگد که این حکومت با رهبری آن توسط یک ارتش متجاوز حفظ و نگهداری میشود و اعضای خانواده مقامات رهبری این حکومت در خارج از کشور زندگی میکنند.

بعد از معامله و یا توافقنامه آنها با امریکایی ها ؛ تبلیغات طالبان شدت گرفت که توجه یا یادداشت های پیروزمندانه ای را بدست آورد. ولی فقیه طالبان در پیام سالانه خود به ارتباط طول و تعطیلات عید سعید فطر که چهارشنبه گذشته منتشر شد ، قول عفو برای دشمنانی صادر کرد که اگر از وفاداری شان به دولت افغانستان چشم پوشی و یا سرباز زنند .

کار و فعالیت طالبان در علینگار ولایت لغمان همچنان میتواند نمونه ای از چگونگی درک و فهم طالبان مبنی بر اقدامات محلی در اجرای خدمات چند اجتماعی بعنوان یک دولت سایه در مناطق تحت تصرف طالبان یاد دهانی شود رهبران طالبان در این اولسوالی گفتند : که شورشیان مالیات جمع میکنند و در حدود (20) درصد از این مالیات جمع شده را به رهبری مرکزی خود می فرستند و بقیه را برای مصارف مبارزان محلی خود حفظ و نگهداری میکنند ؛ آنها در آن اولسوالی کمیته های دارند که خدمات اصلی را برای مردم اعم از دسترسی به تسهیلات صحتی ؛ آموزش و اداره بازارهای محلی انجام میدهند .

تدارکات برای کلنیک ها و مدارس و معاشات برای پرسونل تا هنوز از طرف دولت افغانستان و اهداکنندگان بین المللی پرداخته میشود ؛ اما طالبان همه این کارها و فعالیت ها را به سبک و روش خود انجام میدهند ؛ مصالحه ای که با اکراه از طرف سازمانهای امدادی به آن موافقت میشود ؛ جاگزین بدون خدمات خواهد بود و برخورد شورشیان به مدرسه قوی ترین شواهد رانشان میدهد که هنوز این جنبش (طالبان) به روش های قدیمی خود برای سرکوب آزادی زنان ؛ هنر و فرهنگ ایستاده و چسبیده اند .

به گفته مولوی احمدی «حقل» ریس کمیته آموزش در اولسوالی علینگار ولایت لغمان از جمله (57) مکتب (17) مکتب ؛ مکاتب دخترانه است اما طالبان محلی تاکید میکنند که تحصیلات دختران باید مطابق الزامات بین المللی برای کمک به آموزش پس از کلاس ششم پایان یا بد ؛ مولوی «حقل» گفت : در برنامه های درسی ، طالبان فرهنگ را نیز بعنوان یک مضمون کاهش و یا فسخ کردند چونکه به نظر آنها این مضمون به نسبت جا دادن به آموزش موسیقی در آن به ابتداءل کشانده شده است .

تولد انرشی :

بعد از آنکه طالبان در سال (1990) با بوجود آمدن خلالی قدرت نسبت به عقب نشینی اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان سایر جناح درگیر در افغانستان را شکست دادند به قدرت رسیدند؛ آنوقت چنین به نظر میرسید که ایالات متحده نسبت به پیاده کردن قانون ستمگرانه و سرسختگیرانه ای این گروه شاید بی تفاوت باقی خواهد ماند و اما این بی تفاوتی در سال (2001) هنگامیکه رهبر القاعده که در افغانستان پناهنده بود؛ حملات تروریستی را در تاریخ یازدهم ماه سپتامبر سال (2001) در خاک امریکا انجام داد؛ تغییر کرد.

رهبر القاعده از اهل سعودی «**اسامه بن لادن**» مدت طولانی را در افغانستان گذرانده بود؛ او حتی تا پایان جنگ سرد بطرفداری امریکا علیه شوروی ها جنگید؛ رهبر طالبان «**ملا محمد عمر**» به **اسامه بن لادن** اجازه داد که در افغانستان باقی بماند و این هر دو رهبر باهم خیلی نزدیک شده بودند تا جاییکه **اسامه بن لادن** به **ملا محمد عمر** وعده داده بود که به بعنوان یک امیر اسلامی بیعت کند.

دولت «بوش» بدنبال انتقام گیری فوری بدون هیچگونه صبر و شکیبایی با وجود نرمش و پیشنهادات طالبان مبنی بر یافتن یک راه حل مناسب بخاطر رهایی از شر «**اسامه بن لادن**» وقع نگذاشت و از طالبان خواست که «**اسامه بن لادن**» را مستقیماً به امریکایی ها تحویل دهد؛ لذا امریکایی ها برای بدست آوردن «**اسامه**» به افغانستان حمله نظامی شان را آغاز کردند.

یک گروهی که چانس موفقیت خود را در برابر جناح های افغانستان میدیدند؛ به سرعت در اثر حملات هوایی ایالات متحده که بالای افغانستان صورت گرفت پژمرده شدند؛ مبارزان طالبان پس از تجزیه و سقوط دولت امارت اسلامی شان به خانه های خود برگشتند؛ رهبران آنها از مرز پاکستان عبور کردند و برخی دیگر شان در زندان های امریکا در قید اسارت درآمدند.

بسیاری از فرماندهان طالبان که برای تهیه این مقاله با آنها مصاحبه شده است؛ گفتند: که در ماه های اولیه پس از حمله و سقوط دولت شان؛ آنها حتی به سختی نمیتوانستند این روز را بخواب بینند که آنها علیه ارتش امریکا همین اکنون می جنگند؛ اما هنگامیکه رهبری آنها در پناهگاه های امن تدارک دیده شده توسط ارتش پاکستان مجدداً اقدام به صف آراییی و بسیج مبارزان و یاجنگجویان خود کردند. حالت شان تغییر کرد تا جاییکه حتی پاکستانی ها در حمایت از طالبان با داشتن سیاست های مضعاف خود صدها میلیون دلار از کمک های ایالات متحده دریافت کردند.

طالبان با استفاده از داشتن این شرایط مساعد امنیتی به برنامه ریزی ها و پلان های جنگ طولانی شان علیه حضور نیروهای امریکایی و ناتو اقدام؛ و به تحقق آن متعهد گردیدند.

آنها در سال (2007) به جنگ های بیشتر شدید ارضی ویا زمینی شروع کردند؛ شورشیان طرح جدیدی را که ایالات متحده علیه شوروی ها در همان کوه ها و زمین ها نقشه کرده بودند احیا و تصفیه کردند و در همین سنگرها به جنگ علیه آمریکایی ها جابجا و مستقر شدند . اکثر رهبران ما بخشی از نیروهای جنگی علیه شوروی ها بودند ؛ چونکه اینجا سرزمین خود ما است ؛ یعنی که قلمرو ما است و همکاران یا مبارزین ما با این ساحات و قلمرو آشنایی کامل دارند ؛ آقای متی ریس ستاد طالبان گفت: «تاریخ افغانستان در جلو چشمان ما بود یا که ما از تاریخ خود میدانستیم وقتی انگلیس ها به این سرزمین آمدند نیروهای جنگی آنها بزرگتر و هرچه بیشتر بود همین امر در مورد آمدن ویا تاجا و ز امریکا بر افغانستان نیز صدق میکند ؛ یعنی که نیروهای جنگی آمریکایی ها نسبت به نیروهای ما بیشتر و بزرگتر و مجهزتر اند ؛ بنا براین ؛ این امید ما را بوجود آورده که در نهایت آمریکایی ها نیز همچو دیگر متجا وزین مجبور به ترک از وطن ما خواهند شد .

شورشیان از همان آغاز؛ از وجود فساد و سوء استفاده های دولت افغانستان که توسط ایالات متحده اعمال شده بودند یا فتنند ویا واقف بودند و خود را بعنوان داوران و ناجیان عدالت و سنت افغانستان برگزیدند؛ بخش قدرتمند و خواسته ای دایمی آنها داشتن مردم با خود بوده ؛ حالانکه در جنگ عراق آمریکایی ها از مردم فاصله میگرفتند – لذا طالبان در نزدیک بودن با مردم توانستند بیشتر قلمرو های کشور را در تحت تصرف خود در آورند . طالبان در زمان ریاست جمهوری ویا زمامداری «بارک اوباما» در سال (2009) که تعداد سربازان امریکا را «اوباما» تا حدود به (یکصد هزار) تن افزایش داد ؛ طالبان تا همین اکنون سلطه خود را هرچه بیشتر توسعه داده اند یعنی که بیشتر از قلمرو افغانستان را در تحت تصرف خود دارند ؛ افزون بر از دیاد تعداد نیروهای جنگی امریکا در افغانستان؛ تعداد نیروهای امنیتی و جنگی افغان اعم از ارتش و پولیس سرانجام تعداد کل قوت ها در مقابل طالبان به (300000) نفر بالغ میشد که در کنار این همه نیروهای جنگی اعم از سربازان آمریکایی و ناتو و افغان ؛ فرماندهان آمریکایی عا جلاً به تنظیم و سازماندهی ملیشه های محلی نیز پرداختند و جنگ در افغانستان وارد چرخه شریر کشت و کشتار گردید یعنی که جنگ به قله های شامخ از شدت خود رسید .

از دید ویا صعود خشونت :

در دهه دوم دوام این جنگ نامعلوم ؛ شورش و مقاومت ویا دامنه خشونت و تیره گی توسط طالبان با توانایی های در دست داشته ای شان در ضربه زدن و یورش وتهاجم علیه مخالفان شان به اوج خود رسیده بود تا جایکه مصون ترین ساحات حتی در پایتخت کشور

یعنی در کابل از گزند حمله و یورش آنها در امان نبود.

آنها یعنی طالبان، تانکرها و یا موترهای فاضلاب؛ واگون‌ها و حتی امبولانی‌ها را پر با مواد انفجاریه در قلب شهر کابل منفجر ساختند که در اثر آن صدها نفر کشته برجا گذاشتند آنها همچنان در داخل جزو تمام‌های نظامی دولت افغانستان توسط اشخاص نفوذیه خود به اقدامات انتحاری دست زدند که از اثر آن فرماندهان مخالف خود را حتی تا یک جنرال امریکایی مستقر در افغانستان را از بین بردند و حس بی‌اعتمادی را بین نیروی‌های امریکایی و نیروهای امنیتی افغانستان بوجود آوردند؛ قسمیکه جنرال‌های امریکایی هشدار دادند که ما موریت آموزش نیروهای افغان مصون؛ ثابت و قابل اطمینان نیست. طالبان شبکه‌های قدیمی دونه‌ها یا اهداکنندگان را در کشورهای عربی که زمانی به تا مین مالی جنبش مجاهدین افغان تحت حمایت ایالات متحده در جنگ علیه شوروی کمک میکردند آن شبکه را دوباره احیا کردند.

اما این شورشیان همچنین بمنظور انکشاف در کسب درآمدها در افغانستان تجارب هنگفتی بدست آوردند که همین اکنون چنین تخمین زده میشود که آنها صدها میلیون دلار در هر سال از استخراج غیرقانونی معادن افغانستان؛ اخذ مالیات برگردش کالاها، ترافیک و بویژه از سود مواد مخدره بدست می‌آورند.

نمونه بارز دیگر از چگونگی استفاده طالبان بمنظور تخریبات بیشتر و از بین بردن مخالفان شان جلب و جذب و ادغام بیرحمانه‌ترین شبکه چریکی‌های قدیمی، همانا شبکه حقانی است که فرماندهان آن شبکه را در رهبری خود جا دادند.

رهبر ویا پد رسالار شبکه **حقانی**؛ آقای **جلال الدین «حقانی»** که بعنوان یک متحد موثر و همکار نزدیک امریکا در نبرد علیه شوروی‌ها در افغانستان دیده میشد - اما در جنگ علیه امریکاییها؛ کنون **حقانیان** تنها با زوی قدرتمند طالبان شمرده میشوند؛ تا جاییکه امریکاییها این شبکه را بعنوان یک گروه تروریستی خارجی دانسته ویا قلمداد میکنند.

حقانیان مسیرها و شبکه‌ها قاچاق قدیمی خود را به خط لوله‌ای برای بمب‌گذاران انتحاری و مبارزان آموزش دیده که اهداف امریکا را مورد نشانی ویا هدف قرار داده و به نمایندگی‌ها ویا آژانس‌های مهم دولت افغانستان حمله کرده و حمله میکنند تبدیل کرده است. پسر جلال الدین (حقانی) آقای سراج الدین (حقانی) در سال (2015) بعنوان معاون رهبری طالبان و نیز بعنوان یک فرمانده ارشد عملیاتی در جنبش طالبان تعیین و گماریده شد این پسر جوان (حقانی) که اصالتاً از شرق افغانستان است؛ غالباً مریبان نخبه‌ای خود را در واحدهای جنگی طالبان واقع در قلب یا در بخش‌های جنوب افغانستان تعبیه ویا جابجا کرد. مقامات افغان و مقامات غربی گفتند که این شبکه یعنی شبکه حقانی یکی از بی

رحمترین و پرخشونت ترین افرادی را در تشکیل خود دارد .
هنگامیکه ایالات متحده در سال (2018) مذاکره صلح را با یک هیئت طالبان در دوحه آغاز کرد ؛ در سرتا سر میز مذاکره در ترکیب هیئت طالبان آن چهره ها دیده میشد که آنها نصف از عمر خود را در زندان گوانتاناما مربوط به ایالات متحده سپری کرده و یا که محبوس بودند. **ملا عبد الغنی برادر** مذاکره کننده اصلی و یا ریس هیئت طالبان پس از (ده) سال حبس از زندان پاکستان آزاد شد زیرا که او برای آغاز مذاکرات صلح بدون شکرانگی و یا مجوز ارتش پاکستان با دولت افغانستان تماس گرفته بود.

ملا عبد الغنی «برادر» هر بار که به محل مذاکره صلح تشریف می آورد حامل موکب آن که یک موتر شورلایت امپالای ساخت ایالات متحده امریکا است با گروهی از نگهبانان جامه سفید سوار بر اتومبیل های شورلایت او را همراهی میکنند و در مدخل سالن مرمرین دستگیر دروازه اتومبیل توسط گارد خاص جامه سفید او گرفته شده باز میشود و این رهبر کمی ضعیف و لاغر را از پله ها به سالن مذاکره همراهی میکند . یعنی کسی را که امریکایی ها بی صبرانه از او انتظار دارند که به این جنگ نامعلوم نقطه ای پایانی گذارد .

اما با وجودیکه هر دو طرف سرگرم مذاکره در این سالن مرمرین بودند بمب ها تابعیه شده در دو اتومبیل در افغانستان منفجر میشود و جوجه های انتحاری طالبان پیوسته به حملات شان در دفاتر دولتی واقع در افغانستان ادامه دادند ؛ حملاتی که اغلباً موجب تلفات گسترده مردم ملکی شد باید متذکر شد که چنین حملات کاملاً خشونت بار چندین بار روند مذاکرات را مختل کرده است .

سوال دیگر این بود که آیا طالبان بعد از آنکه امریکایی ها افغانستان را ترک کنند گروه طالبان واقعاً علیه گروه های تروریستی اعم از داعش و القاعده خواهند جنگید ؟
قابل تذکر است و آن اینکه در یک جلسه گذشته ؛ فصل بهاری مذاکرات فرمانده نیروهای امریکایی و نا توجنرال **آستین میلر** از طالبان خواست تا علت مشترک بامامورین ضد تروریسم امریکا را پیدا کنند .

وی گفت : بچه های ما میتوانند که به کشتن یکدیگر ادامه دهند ؛ یا که میتوانستیم «داعش» را باهم بکشیم .

مقامات امریکایی میگویند ؛ وقتیکه طالبان مجدداً باب گفتگوی صلح را با طرف امریکایی ها باز کردند نگاه منفی رییس جمهور «دونالد ترامپ» به مذاکرات بطرز چشمگیر بهبود یافته است ؛ قابل یادآوری است که این شورشیان در شرق افغانستان حملات خود را علیه دولت اسلامی «داعش» شدت بخشیدند و نیروهای هوایی ایالات متحده نیز به حملات هوایی خود علیه دولت اسلامی پرداخت و از سوی هم کماندوهای افغان نیز بر

سنگرهای دولت اسلامی به حملات خود فزونی بخشیدند؛ بهر صورت وقتی در مورد القاعده سخن به میان آمد؛ این گروه «طالبان» در توافق خود با ایالات متحده یک خط روشن را ترسیم کردند یعنی که از دادن توضیح به ارتباط «تروریسم» خود داری کردند تا که برای چندین روز احساسات این مذاکرات را بهم زد؛ طالبان از همکاری گذشته خود با القاعده ابراز پیشیمانی نکردند و تنها قول دادند فقط اجازه ندهند که خاک افغانستان برای اجرای حملات در آینده مورد استفاده قرار گیرد.

حدود دو هفته بعد از آنکه طالبان با ایالات متحده قرارداد ویا توافقنامه را امضا کردند؛ القاعده طی یک بیانیه ویا اعلامیه خود «پیروزی بزرگ» طالبان را علیه امریکا ستود.

تحت کنترل در آوردن جنگجویان پابن رتبه:

طالبان طی یک شویا نمایش دیگر توانایی خود را در کنترل جنگجویان ویا صفوف خود نشان دادند؛ مقامات امریکایی و افغانی گفتند وقتی امضا کننده دوطرف توافقنامه برای مدتی یک هفته آتش بس جزیی را شرط بستند؛ سطح خشونت تا (80) درصد کاهش یافت.

اما این یک چیزی مطمئن نبوده است زیرا که ملا برادر با قاطیعت تمام از ادامه آتش بس امتناع ورزید و نه پذیرفت که بعد از این؛ آتش بس ادامه یابد؛ این اقدام ویا عملکردی بود که اکثریت افغان ها و ناظران غربی معتقد اند؛ که به رهبران طالبان فرصتی ویا فضای بدهند تا اگر آنها بتوانند چهره اصلی خود را نشان دهند مبنی بر اینکه اگر صفوف آنها یا دسته ها و گروه های کوچک آنها که از دستورات رهبری سرباز زنند ویا که اوامر را نادیده گیرند چه خواهند کرد؟

علایمی دیگری نیز وجود داشت مبنی بر اینکه ملا برادر مجبور است یک اقدام مغلق دستکاری را در عقب صحنه انجام دهد؛ برخی از مقامات افغان گفتند که آنها از اطلاعاتی برخوردار اند که ملا برادر اولتیماتوم را به جناح نظامی طالبان صادر کرده است؛ و میگویند اگر اصرار داشته باشند که سعی کنند با زور به پیروزی برسد در آن صورت نیازی به وی نخواهد بود که روزهای خود را در بحث و گفتگو با امریکایی ها کلمه به کلمه یا کامه (،) به کامه (،) ادامه دهد.

هنگامیکه روزهای هفته کاهش خشونت آغاز شد، فرماندهان طالبان مشغول یک سلسله تلاش ها شدند و آن اینکه از طریق وات ساپ (WhatsApp) و کانال های رادیویی نظامی، به صف آراییی صفوف و مبارزان خود پرداختند و طبق گزارشات اطلاعاتی که توسط مقامات افغان و نیویارک تایمز موصلت کرده است؛ پیروزی نزدیک است؛ و این چیزی است که

رهبری میخواد ؛ و ما باید آنرا تحویل دهیم .
نکته ای که روند مذاکرات را با امریکایی ها واقع در دوحه کند میکرد این بود؛ که رهبران سیاسی طالبان میخواستند که هر مسله کوچک را به قوماندانان خود بسپارند و یا نظر آنها را بگیرند تا جلو شورش ها و شکست ها را سد شوند .

این هیئت مذاکره کننده طالبان عمامه پوش هفته ها در کنار امریکایی ها نشسته و بعداً هیئت را برای اخذ مشوره از رهبران شان به پاکستان اعزام میکردند و ایشان در عین زمان از تلفونهای که بدسترس شان بود از وات ساپ (whatsApp) استفاده میکردند و یا که در هنگام مذاکره برای ادای نماز فرصت مطالبه میکردند و با عجله تلفون های خود را از جعبه ای قفل شده میگرفتند و به سوی مسجد میرفتند که بعضاً در اوج زمان عبادت و یا ادای نماز صدای زنگ تلفون های بلند میشد و یا که طنین می افگند و عاجلاً به تلفون دست می بردند که اگر شود پیام رسیده را بخوانند و یا ملاحظه کنند .

مقامات طالبان میگویند آنچه که آنها را از جناح های که علیه اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان جنگیدند و سپس به هرج و مرج پرداختند و متلاشی شدند جدا میکند این است که بعیت و یا فرمانبرداری آنها به بیش از یک درجن رهبران تقسیم شده است طالبان شورش و بغاوت خود را در تحت زعامت تنها یک امیر یعنی ملا محمد عمر آغاز کردند ؛ اما اخیراً این شورشیان با ساختار نوع جدید رهبری خود را وابسته ساختند یعنی به اجماع که به بزرگترین قله ای از توانمندی خود رسیده و هر آنکسی که از دستور و یا از هدایات این اجماع از درون سرکشی و یا نافرمانی کند مشمت محکم به دهن خود میخورد .

قابل تذکر است که حتی با ظهور فرماندهان جدید در سالهای پسین ؛ شورای رهبری بیشتر عناصر و یا خدمت گزاران اسبق را در تشکیل خود دارد یعنی آنها یکه بعد از حمله ایالات متحده امریکا بر افغانستان و سقوط امارت طالبان به شورش آغاز کردند .

رهبران سیاسی اسبق تصدیق کردند که اقدام متعادل با آنها مانند هیچ چالشی است که شورشیان با آنها روبرو شوند ؛ آنها اطمینان حاصل کرده اند که خشونت خود را با شدت هر چه تمام با استدلال کنترل میکنند- چونکه این یک جنگ مقدس است ؛ تا زمانیکه رهبر معظم انقلاب و روحانیون حکم آن را صادر کنند .

اقای شاران (Sharan) تحلیلگر میگوید : که وحدت یا کنار آمدن و یا نبرد با یک دشمن مشترک یعنی امریکا آسانتر است وی گفت : اما اگر طالبان در نهایت ؛ رویای خود را برای افغانستان بدون امرکایی ها برنده کنند یا خود را ناجی و فاتح تصور کنند ؛ شاید که آنها به بسیاری چالشها و مشکلات روبرو خواهند شد که زمانی کشور را به سمت هرج و مرج خواهد کشاند .

وی همچنان افزود که رابطه بین رهبران سیاسی وفرماندهان نظامی که انحصار منابع و قدرت و خشونت را در دست دارند بعداً آزمایش خواهند شد. وی گفت: جنگ داخلی دهه (1990) نه تنها از اینکه رهبران سیاسی بین خود موافق نبودند رخ داد بلکه آنها یعنی این رهبران سیاسی از کنترل کردن بالای صفوف وزیردستان خود ناامید بودند و به همین سبب جنگ داخلی در افغانستان بخاطر کسب قدرت بوقوع پیوست.

بجا میدانم که از تیمورشاه واز قاضی ذبیح الله به نسبت گذارش دهی شان از ننگرها ر وکندها ر که در تهیه این مقاله مرا کمک کرده اند ابراز سپاس کنم -- **مجیب «مشعل»**

----- **با تقدیم احترامات** « 2020-06-01 »